



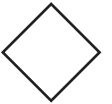
سالنامه پژوهشی نیا

سال اول - شماره یک - ۱۳۹۸

مقاله نهم:

نقش رسم الخط در آموزش روخوانی قرآن کریم

علیرضا چیدری



نقش رسم الخط در آموزش روخوانی قرآن کریم

علیرضا چیذری^۱

چکیده

موضوع روخوانی قرآن کریم یکی از مباحث مهمی است که با وجود اختلاف در روش‌ها، عوامل متعدد اثرگذاری را در این امر می‌توان برشمرد. از جمله این عوامل «رسم الخط» قرآن است. در این نوشتار، به موضوع رسم الخط قرآن از حیث نگارش و نیز شیوه‌های علامتگذاری حروف و کلمات قرآن پرداخته شده است. از آن‌جا که امروزه آموزش خواندن قرآن عموماً متکی بر متن مکتوب آن است، لذا روش‌های آموزش روخوانی براساس قواعد موجود در کتابت تنظیم و تدوین می‌گردد. در این میان، با مقایسه شیوه‌های علامت‌گذاری و روش‌های آموزشی مبتنی بر آن از یک‌سو و پژوهش‌های میدانی از سوی دیگر، می‌توان به این مهم دست یافت که نوع نگارش کلمات قرآن - صرف‌نظر از خوش‌نویسی - و همچنین شیوه علامت‌گذاری حروف و کلمات آن، تأثیر قابل توجهی در تعلیم و تعلم روخوانی قرآن کریم برای مبتدیان خواهد داشت. بنابراین قاعده‌مندی، سهولت قواعد و خودآموز بودن آن، از عوامل مهم اثرگذار در روخوانی قرآن و آموزش آن است.

واژگان کلیدی: آموزش قرآن، روخوانی، رسم الخط، نگارش، علامتگذاری، قاعده‌آموزی

انس با قرآن و تلاوت آمیخته با فهم معانی و مفاهیم آن، انسان را در آسمان معرفت الهی به پرواز در می آورد و با ملائکه همسخن می کند. درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری طلبید و خواسته های خود را به وسیله قرآن طلب کنید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا وسیله ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد. پیامبر نور و رحمت (ص) فرموده اند: اگر زندگی سعادت مندان، مرگ شهیدان، نجات در روز حسرت - قیامت -، سایه بان در روز داغ و هدایت در روزگار گمراهی را می طلبید، درس قرآن را فراگیرید که آن، سخن پروردگار، سپری در برابر شیطان و مایه برتری در میزان اعمال انسان است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹).

توجه به آیات، سیره و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در خصوص تلاوت قرآن کریم، موضوعیت این مهم را گوشزد می کند و اهمیت فراگیری خواندن قرآن به تبع، آشکار می گردد. اگرچه در آغاز نزول، قرآن از لوح سینه ها بر زبان جاری می شد و قرائت از روی متن آیات به وفور جریان نداشت، به مرور زمان اما خواندن از روی آیات مکتوب رواج یافت و هم زمان، موضوع آموزش خواندن قرآن در کنار مفاهیم بلند آیات آن اهمیت خاصی پیدا کرد.

اگرچه در طول تاریخ پس از پیامبر، همواره مسلمانان همت خود را به غایت صرف حفظ و صیانت این گنجینه آسمانی نموده اند، اما برای تعلیم و تعلم قرآن و قرائت صحیح آن در سرزمین های اسلامی هر یک به شیوه ای به آموزش قرآن پرداختند و با توجه به نوع خط و زبان و فرهنگ هر قومی، رسم الخط های متفاوتی از قرآن ظهور و بروز یافت. هر چند هر یک از روش های مذکور با هدف صحیح خوانده شدن متن قرآن پدید آمده، در این میدان مسابقه اما شیوه ای گوی سبقت را خواهد ربود که در عین قاعده مندی، سهولت در خواندن و آموزش را نیز موجب شود. به عبارت دیگر از آن جا که خواندن قرآن امروزه مبتنی بر متن مکتوب است، هر چه قدر تطابق مکتوب با ملفوظ بیشتر باشد، یعنی آنچه خواننده در متن می بیند، همانگونه باشد که به لفظ درمی آید. این امر، خود تسهیل در آموزش و قرائت متن قرآن را دربر خواهد داشت.

در این مقاله قصد بر آن است تا به بررسی انواع رسم الخط های رایج در جهان اسلام بپردازیم و ضمن بیان ویژگی های هر یک، به طور کلی تأثیر رسم الخط بر قرائت قرآن کریم را مورد واکاوی قرار دهیم.

رسم الخط

هم‌زمان با نزول آیات قرآن بر پیامبر اکرم (ص) و ابلاغ آن به مردم، عموم مسلمانان برای یادگیری و حفظ آیات قرآن تلاش می‌کردند، و افراد باسواد به کمک وسایل متداول آن زمان، آیات قرآن را می‌نوشتند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۶). مسلم است که متن قرآن کریم در ابتدا خالی از نقطه و علائم اعرابی بوده و این موارد، بعدها به آن افزوده شده است. مروری بر نسخه‌های به‌جا مانده از قرون اولیه، این مطلب را اثبات می‌کند. امروزه اما به دلیل رواج متن مکتوب قرآن بین عموم افراد عرب‌زبان و غیر عرب‌زبان، روش متداول در کتابت قرآن آن است که از این دو عامل مهم برای صحت قرائت قرآن در همه بلاد اسلامی - البته با اختلاف سوابق - استفاده می‌شود.

در این نوشتار صرف‌نظر از تاریخچه پیدایش نقطه و حرکات در قرآن کریم، هر جا سخن از «رسم الخط» به میان آمده منظور دو موضوع مرتبط با متن قرآن کریم است که عبارت‌اند از: «رسم المصحف» یا علم نگارش قرآن کریم و دیگری «ضبط المصحف» یا علم علامت‌گذاری حروف قرآن. ابتدا به اختصار کلیاتی درباره این دو موضوع یعنی رسم و ضبط را بیان می‌داریم.

رسم المصحف

اگرچه بر اساس شواهد، نسخه‌ای قطعی از مکتوبات قرآنی عصر نزول در دسترس نیست، نقل‌های معتبر اما حاکی از آن است که قرآن به املائی متداول همان عصر نگارش می‌شده (الحمد، رسم المصحف، ص ۱۵۵) و کاتبان وحی با کمال دقت در حفظ امانت، این مهم را عهده‌دار بوده‌اند. در این شیوه، خط قرآن به حالت ابتدایی آن زمان و خالی از هرگونه علامت و حتی نقطه بود. این کتابت اولیه را «رسم المصحف» می‌نامند. ویژگی این کتابت صرفاً مربوط به نگارش کلمات است؛ زیرا حرکات و علائم بعدها در خط قرآن پدید آمد. در طول زمان، خط عربی مانند خط سایر زبان‌ها، تحول و تکامل یافته و به تدریج ساده‌تر و قانونمندتر شد و این نوع نگارش که در هر عصری بر اساس آموزه‌های همان زمان به‌روزرسانی می‌شود را «رسم الاملاء» می‌نامند. طبیعتاً که با گذر زمان این دو نوع نگارش؛ یعنی رسم المصحف و رسم الاملاء با یکدیگر فاصله‌ای - هرچند اندک - پیدا کردند، اما مسلمانان همواره به درستی و به حق، بر همان رسم المصحف و نگارش اولیه در قرآن

تأکید ورزیدند تا متن قرآن دچار تغییر و تحریف نگردد؛ چنان که زمخشری و ابوحیان اندلسی دو مفسر و نحوی بزرگ آن را سنت متبّع و غیر قابل تغییر می‌دانند (زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نیز رک: ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱۰، ص ۴۱۷) همان گونه که مجمع اللغه العربیه نیز به این نکته تصریح نموده است (یمین، المعجم المفصل فی الاملاء، ص ۳۰۵).

در مقایسه اجمالی می‌توان گفت شیوه نگارش قرآن کریم - که بر اساس رسم المصحف می‌باشد - در بیش از ۹۰ درصد کلمات، با رسم الاملاء معاصر یکسان است؛ ولی کمتر از ۱۰ درصد کلمات قرآن، به شکلی خاص و متفاوت با رسم الاملاء می‌باشند. بیشترین اختلافات، مربوط به حذف الف در برخی کلمات است؛ مانند: الصلحت، الکفرین، جنت و الانهر.

کلماتی که در شیوه خاص نگارش قرآن کریم «رسم المصحف»، به گونه‌ای متفاوت با رسم الاملاء نوشته می‌شوند را ذیل شش قاعده دسته‌بندی می‌کنند (شرشال، مقدمه مختصر التبیین، ج ۱، ص ۱۳۵؛ نیز رک: مارغنی تونسلی، دلیل الحیران، ص ۲۵). این دسته‌بندی در مقایسه با رسم الاملاء در جداول زیر نشان داده شده است:

۱. قاعده حذف

رسم المصحف	رسم الاملاء
حذف الف	الصائِمات
حذف یاء	التنبیین
حذف واو	الغاوون
حذف نون	ننجی
حذف لام	اللیل

۲. قاعده زیادت

رسم الاملاء	رسم المصحف	
لِشَىءٍ	لِشَايِءٍ	زیادت الف
بِأَيْدٍ	بِأَيِّدٍ	زیادت یاء
سَارِيكُمْ	سَاوْرِيكُمْ	زیادت واو

۳. قاعده همزه

نگارش همزه در قرآن دارای قواعدی است که بر اساس موقعیت همزه در کلمه و همچنین حرکت آن در قرآن به شکل‌های مختلفی نوشته می‌شود که برخی از شکل‌های آن مطابق املاء و برخی مخالف آن است. در جدول زیر برخی از این اختلافات آمده است:

رسم الاملاء	رسم المصحف
أَنْذَرْتَهُمْ	ءَأَنْذَرْتَهُمْ
وَأَسْأَلُوا	وَسَأَلُوا
شَيْئًا	شَيْئًا
فَالآنَ	فَالْعَنَ
نَبَأٌ	نَبُؤًا
عُلَمَاءُ	عُلَمَتُوا

۴. قاعده بدل

قاعده بدل یعنی حرفی به جای حرفی دیگر نوشته شود؛ مانند:

رسم الاملاء	رسم المصحف	
النَّجَاةُ	النَّجْوَةُ	نگارش الف به صورت واو
يَتَوَفَّكُمُ	يَتَوَفِّيَكُمُ	نگارش الف به صورت ياء
لَعْنَةُ	لَعْنَتُ	نگارش تاء تأنيث به صورت تاء کشیده
يَبْسُطُ	يَبْصُطُ	نگارش سین به صورت صاد
لِنَسْفَعِنَ	لِنَسْفَعَا	نگارش نون به صورت الف
لَدَى	لَدَا	نگارش ياء به صورت الف

۵. قاعده فصل و وصل

در قرآن کریم برخی کلمات سرهم (متصل) نوشته می‌شوند، حال آن‌که در رسم الاملاء جدا (مفصول یا مقطوع) نوشته می‌شود؛ یا بالعکس. نمونه‌هایی از این موارد در جدول زیر آمده است:

رسم الاملاء	رسم المصحف
أَمْ مَنْ	أَمَّنْ
أَنْ لَا	أَلَا
فَمَا لِلَّذِينَ	فَمَالِ الَّذِينَ

۶. کلمات دارای دو قرائت

در این بخش به کلماتی پرداخته شده که دارای دو قرائت می‌باشند، ولی به خاطر این که رسم بیش از یک وجه را تحمل نکرده تنها به یکی از قرائات نوشته شده‌اند؛ مانند: «وَلَا يَخَافُ» (شمس: ۱۵) که در قرائات نافع و ابن عامر «فَلَا يَخَافُ» خوانده شده است (دانی، التیسیر فی القراءات السبع، ص ۵۴۰).

ضبط المصحف

در زمان بعثت پیامبر (ص) با توجه به محیط خاص جزیره العرب، کتابت مراحل اولیه خود را می گذرانید و بسیار ساده، ابتدایی و فاقد علامت‌ها و نشانه‌هایی بود که امروزه برای نشان دادن حرکات، سکون، تشدید، مدّ، تنوین یا تشخیص حروف مشابه از آن‌ها استفاده می‌شود.

زمانی که پیامبر اسلام (ص) به رسالت برگزیده شد، کاتبان وحی، قرآن را با همان رسم الخط رایج آن زمان می‌نوشتند و با توجه به بیان شیوای قرآن که برای آن‌ها بسیار دلنشین بود و نزول تدریجی قرآن و این که تلفظ صحیح آیات را از زبان پیامبر اکرم می‌شنیدند، در قرائت قرآن، کمتر دچار لغزش می‌شدند و چنانچه در تلفظ صحیح کلمه‌ای شک می‌کردند از پیامبر (ص) می‌پرسیدند. پس از آن که اسلام گسترش چشمگیر یافت و بسیاری از اقوام غیر عرب نیز به اسلام گرویدند، به علت آشنایی نداشتن با زبان عربی نمی‌توانستند قرآن را صحیح بخوانند، حتی خود عرب‌ها بر اثر معاشرت با آن‌ها تا حدودی از مسیر زبانی‌شان منحرف شده و دگرگونی در سخنان آنان راه یافت تا جایی که به تدریج، اشتباه در بیان و سخنان فصحای عرب به چشم می‌خورد. معروف است که «ابوالاسود دؤلی» (م ۶۱ ق) از اصحاب امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)، اولین کسی است که علائم اعراب را در قرآن ابداع نمود؛ ولی جزئیات این عمل در روایات تاریخی، متفاوت ذکر شده است. از جمله قدیمی‌ترین منابعی که در این باره سخن گفته است، کتاب «ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل» تألیف ابن انباری (م ۳۲۸ ق) است. وی با اسناد خود از عتبی چنین نقل می‌کند: «معاویه نامه‌ای به زیاد نوشت و فرزندش عبیدالله را به حضور طلبید. وقتی او نزد معاویه رفت، با او سخن گفت و متوجه شد که عبیدالله غلط حرف می‌زند. او را به نزد زیاد بازگرداند و نامه‌ای به وی نوشت و در آن نامه او را ملامت نموده، گفت: آیا فردی همچون عبیدالله، به حال خود رها می‌شود و تربیت نمی‌گردد؟ زیاد به سراغ ابوالاسود فرستاد و به او گفت: ای ابوالاسود! این سفیدرویان [اعاجم] زیاد شده و بخشی از کلام عرب را فاسد نموده‌اند، چه خوب بود چیزی را بنا می‌گذاشتی که مردم گفتارشان را بدان وسیله اصلاح می‌کردند و کلام خدا را خوب می‌شناختند. ابوالاسود امتناع کرد و دوست نداشت خواسته زیاد را اجابت کند. زیاد مردی را بر سر راه ابوالاسود قرار داد و به او گفت: بر سر راه ابوالاسود بنشین. وقتی از نزدیک تو عبور کرد، قرآن را عمداً غلط تلاوت کن.

او نیز چنین کرد و وقتی ابوالاسود از نزدیکی او عبور می کرد، آیه ۳ سوره توبه را با صدای بلند چنین خواند: «ان الله بريء من المشركين و رسوله» (یعنی لام مضموم در کلمه «رسوله» را مکسور خواند). این موضوع بر ابوالاسود گران آمد و گفت: خدا بزرگوارتر از آن است که از رسولش براءت جوید. بلافاصله نزد زیاد رفت و گفت: خواسته‌ات را پذیرفتم ولی به نظرم رسید که از قرآن شروع کنم. زیاد سی نفر را نزد او فرستاد. ابوالاسود از بین آن‌ها ده نفر را برگزید و همین‌طور آن‌ها را بررسی و امتحان می کرد تا یک نفر از عبدالقیس باقی ماند. بدو گفت: مصحف را بردار، و رنگی غیر از رنگ مرکب [متن قرآن] را انتخاب کن. هرگاه لب‌هایم را باز کردم یک نقطه روی حرف بگذار؛ وقتی آن‌ها را جمع کردم یک نقطه کنار حرف قرار بده؛ وقتی لب‌ام را پایین آوردم یک نقطه زیر آن قرار بده؛ اگر بعد از هر یک از این حرکات «ن» تلفظ کردم (با تنوین خواندم) دو نقطه بگذار. بدین ترتیب از اول قرآن شروع کرد و تا آخر قرآن پیش رفت. «الانباری، ایضاح الوقف و الابتداء، ج ۱، صص ۳۹-۴۱». محیسن نیز در این باره می گوید: «همان‌طور که جماعتی از علما از جمله دانی، ابوداود و ابوحاتم تصریح کرده‌اند، صحیح این است که اولین کسی که قرآن را اعراب گذاشت، ابوالاسود دؤلی بود که به دستور زیاد بن ابیه والی بصره در زمان معاویه، این کار را انجام داد.» (محیسن، ارشاد الطالبین الی ضبط الكتاب المبین، ص ۴؛ نیز رک: ابوزیتجار، السبیل الی ضبط کلمات التنزیل فی فن الضبط، ص ۴). با توجه به این باید گفت زمان اعراب گذاری قرآن در حدود سال‌های ۴۴ یا ۴۵ تا ۵۳ هجری و مکان این ابتکار شهر بصره بوده است.

نحوه کار ابوالاسود - همان‌گونه که از نقل سابق استفاده می شود - بدین گونه بوده که برای نشان دادن فتحه، از یک نقطه بالای حرف، برای نشان دادن ضمه از یک نقطه مقابل حرف و برای نشان دادن کسره از یک نقطه زیر حرف، استفاده کرده و به جای تنوین نیز دو نقطه به کار برده است و این نقطه گذاری با رنگی غیر از رنگ خط قرآن انجام گرفته است. از آن جا که این اعراب گذاری به وسیله نقطه انجام گرفت به این کار «نَقَطُ الْأَعْرَابِ» گفته شده است. با پیروی از روش ابوالاسود، صحیح خواندن قرآن از نظر حرکات تا اندازه‌ای تحقّق پیدا کرد، ولی مشکل تشخیص حروف مُشابه همچنان باقی بود. برای برطرف کردن این اشکال، دو تن از شاگردان ابوالاسود به نام‌های «يَحْيَى بن يَعْمُر» و «نَصْر بن عاصِم» با استفاده از تجربه‌های استادشان، حروف را نقطه گذاری نمودند

تا حروف متشابه از یکدیگر تمیز داده شوند. برای این که نقطه حرکات و حروف اشتباه نشود، نقطه‌های حروف را هم‌رنگ حروف قرآن و نقطه حرکات را با رنگ قرمز می‌نوشتند. پس از مدتی از نقطه‌های زرد رنگ برای تشخیص الف، واو و یایی که به صورت همزه خوانده می‌شوند و از نقطه‌های سبز برای اشاره به همزه وصل در ابتدای کلمات استفاده نمودند. این کارها تا اندازه زیادی توانست مشکل تشخیص حروف متشابه را برطرف نماید، ولی مشکل به کار بردن رنگ‌های متفاوت برای منظورهای مختلف در کتابت، خلیل بن احمد فراهیدی را بر آن داشت تا نقطه‌های نمایان‌گر حرکات و همزه را تغییر شکل دهد. وی برای تشخیص حرکت فتحه از الف، کسره از یاء و ضمه از واو کمک گرفت و آن‌ها را به صورت کوچکتر در بالا یا زیر حروف قرار داد و برای همزه از قسمت بالای حرف عین «ء» و برای علامت‌های سکون، تشدید، مدّ و ... شکل‌های دیگری را وضع نمود (محسن، پیشین، ص ۵). بعد از او نیز تحسیناتی در رسم الخط قرآن انجام گرفت که هر کدام در سهولت قرائت و آموزش قرآن نقش به‌سزایی داشت و مورد استقبال اکثر مسلمانان قرار گرفت. وجود این علائم حتی برای کسانی لازم می‌نمود که زبان قرآن زبان مادری‌شان بود. با توجه به گستردگی جهان اسلام و نبودن وسایل ارتباط جمعی و دوری علمای فن از همدیگر سبب شد که گاهی در مشرق سرزمین‌های اسلامی، علامتی را برای یک مفهوم قرار دهند و در مغرب شکل دیگری برای همان قرار بدهند.

نظر دانشمندان درباره میزان به‌کارگیری علائم

رواج دو شیوه مذکور در علامت‌گذاری به‌ویژه شیوه خلیل بن احمد، ابتدا با مخالفت‌هایی در جهان اسلام مواجه شد؛ اما با گذشت زمان، از شدت مخالفت‌ها کاسته شد و در حالی که در پایان سده نخست هجری صحبت از ضرورت پاکسازی قرآن از نقطه‌ها و علائم بود و تنها معدودی از مصاحف نقطه‌گذاری شده بود، موضوع علامت‌گذاری پیش از پایان سده دوم کاملاً پذیرفته و در محافل علمی، صحبت از ضرورت و نحوه آن به میان آمد. کاربرد نشانه‌های ابتکاری خلیل به جای شیوه نقطه‌گذاری ابوالأسود، با وجود همه امتیازات‌اش، با تأخیر فراوانی انجام گرفت؛ به گونه‌ای که این شیوه در عراق که قرن‌ها اصلی‌ترین مرکز علمی و فرهنگی جهان اسلام بود، در پایان سده سوم و اوایل سده چهارم رایج شد. در بلاد مغرب و

اندلس - بنا به نقل ابوعمر و دانی (م ۴۴۴ ق) در کتاب «المحکم فی نقط المصاحف» - تا سده پنجم صرفاً از شیوه ابوالأسود استفاده می‌شد و شیوه خلیل جایگاهی نداشت. علت این مخالفت‌ها تا حدودی ناشی از مسائل سیاسی - انتساب شیوه ابوالأسود به امویان و شیوه خلیل به عباسیان - نیز بوده است.

یکی از موضوعات قابل توجه در نقطه‌گذاری و اعراب قرآن کریم، میزان کاربرد این علائم در کلمه بود؛ زیرا در شیوه ابوالأسود و احتمالاً در شیوه خلیل بن احمد، تنها حرف آخر کلمه اعراب‌گذاری می‌شد؛ اما با گذشت زمان معلوم شد با همان ملاکی که حرف آخر کلمه به اعراب نیازمند است، بقیه حروف کلمه نیز به اعراب نیاز دارند. در این خصوص، دو نظر کلی وجود دارد:

۱- دانی ضمن بیان سبب و انگیزه نقطه‌گذاری، معتقد است هر حرف باید همه نشانه‌های لازم از سکون، تشدید، مدّ، همزه و ... را داشته باشد (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ص ۵۶). از علمای مشرق درباره لزوم علامت‌گذاری تمام حروف، مطلبی به دست ما نرسیده است، اما به‌عنوان نمونه می‌توان به قرآن کریم به خط «ابن بواب» (م ۴۲۳ ق) اشاره کرد که همه حروف آن به‌جز حروف ناخوانا دارای علامت است. این، بیانگر آن است که علمای مشرق حداقل این نظر را رد نکرده‌اند.

۲- برخی از علما بر این باور بوده‌اند که بنای ضبط بر اختصار است و تنها باید به علائم و حرکاتی که نبودشان منجر به اشتباه در قرائت می‌شود یا حرکات حرف آخر کلمه که نشان‌دهنده نقش کلمه در جمله است، اکتفا نمود؛ از جمله سجستانی (م ۳۱۶ ق)، ابن مجاهد (م ۳۲۴ ق)، ابن مُنادی (م ۳۳۶ ق) و ابن دُرستویه (م ۳۴۷ ق) (برای نمونه: سجستانی، کتاب المصاحف، ص ۱۶۲؛ دانی، پیشین، ص ۵۶).

با توجه به این دو دیدگاه، وجه اشتراک دو نظر عبارت از این است که هر دو بر صحت قرائت و آسان کردن آن تأکید دارند. وجه اختلاف اما، این است که طرفداران روش اول، که چهره شاخص آن «ابوعمر و دانی» است، با دیدی افراطی به ضبط نگریده‌اند، درحالی که طرفداران روش دوم میزان تأثیر علامت در صحت قرائت را ملاک علامت‌گذاری حروف و کلمات دانسته‌اند که به نظر، منطقی می‌آید.

شیوه‌های رایج علامت‌گذاری در قرآن

در دوره معاصر، پنج شیوه علامت‌گذاری نسبتاً متمایز رایج است. برخی از این شیوه‌ها در بعضی مناطق رایج‌تر و برخی در مناطق دیگر از رواج بیشتری برخوردار است.

این پنج شیوه علامت‌گذاری عبارت‌اند از:

۱. شیوه مصری

۲. شیوه هندی

۳. شیوه ترکی

۴. شیوه ایرانی

۵. شیوه مغربی (شمال آفریقا)

هر یک از شیوه‌های مذکور، در شکل علائم یا میزان به کارگیری، تفاوت‌هایی دارند که نمونه‌ای

از آن در جدول ذیل مشاهده می‌شود:

طه : ۵۱	طه : ۲۹	شیوه علامتگذاری
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ	وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي	مصری (عثمان طه)
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ	وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي	هندی
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ	وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي	ترکی (حامد الآمدی)
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ	وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي	ایرانی (نیریزی)
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ	وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي	شیوه مغربی

عوامل مؤثر در صحت قرائت قرآن

نگارش و علامت‌گذاری متن قرآن، نقش اساسی‌ای در صحیح خوانده شدن قرآن دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت صحت قرائت قرآن متوقف بر نحوه نگارش و علامت‌گذاری آن است. موضوع حافظان قرآن و اساتید و افراد مسلط بر متن قرآن، بحثی جداست؛ چرا که ایشان دقت روی تک‌تک حروف و کلمات ندارند، بلکه با نگاه کلی به کلمات و عبارات، به تلاوت می‌پردازند. بحث در این نوشتار عمدتاً مربوط به نوآموزان و افرادی است که به دلیل تسلط کافی نداشتن، با تکیه بر هر یک از حروف و علائم قادر به قرائت قرآن خواهند بود. عوامل مؤثر در قرائت صحیح قرآن چنین است:

۱- رسم

مصاحف رایج را از حیث رسم به دو دسته کلی می‌توان تقسیم نمود:

۱- مصاحفی که پای‌بند به قواعد رسم‌المصحف نیستند، مانند مصاحف ایرانی قدیم به خط احمد نیریزی و طاهر خوشنویس. گروهی معتقدند که در نگارش این مصاحف به ملفوظ توجه شده و سعی کرده‌اند کلمات را همان‌گونه که تلفظ می‌شود نگارش کنند و این نوع نگارش را مطابق املائی عربی قلمداد کرده و عنوان قرآن رسم‌الاملاء را بر آن گذاشته‌اند. این نوع نگارش در مصاحف، در جهان اسلام مقبول نیست و تنها در جزوات آموزشی می‌توان آیات و عبارات قرآنی را مطابق املاء و خلاف قواعد رسم‌المصحف نوشت. این موضوع در جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر و با تحقیقات محققان مرکز طبع و نشر قرآن، در قالب آیین‌نامه‌ای به ناشران ابلاغ شده است.

۲- مصاحفی که بر اساس قواعد علم رسم نگارش یافته‌اند. اگرچه به دلیل اختلاف اقوال در رسم کلمات قرآن، نگارش همه مصاحف پای‌بند به رسم‌المصحف یکسان نیست، ولی مصاحفی که نگارش کلمات آن مستند به یکی از منابع علم رسم باشد در این دسته قرار می‌گیرند. می‌توان به برخی از کلمات نظیر جدول زیر که نگارش آن‌ها مطابق «رسم‌المصحف» باعث سختی قرائت می‌شود و نگارش آن‌ها مطابق املاء - به‌ویژه برای مبتدیان - راحت‌تر خواهد بود، اشاره نمود:

رسم الاملاء	رسم المصحف
النَّبِيِّينَ	النَّبِيِّينَ
نَنْجِي	نَنْجِي
نَبَأًا	نَبَأًا
عُلَمَاءُ	عُلَمَاءُ
لِشَيْءٍ	لِشَيْءٍ
بِأَيْدِي	بِأَيْدِي
سَأْرِيكُمْ	سَأُورِيكُمْ

در خصوص این گونه کلمات توجه به چند نکته ضروری است:

(۱) این گونه کلمات حالت خاص و استثنایی دارند و تعدادشان در مقایسه با کل کلمات قرآن بسیار کم است.

(۲) طبق قواعد عمومی روخوانی، خواندن صحیح این گونه کلمات امکانپذیر است.

(۳) در موارد خاصی که خواندن این کلمات با علائم معمول میسر نیست؛ این مشکل به نحوی حل شده است؛ مانند کلمه «ننجی» به صورت «نجی».

به جز موارد فوق، نگارش در بقیه کلمات به گونه‌ای نیست که در قرائت اثرگذار باشد؛ به عنوان

مثال در مواردی که قاعده بدل یا فصل و وصل وجود دارد اثر رسم فقط در نگارش ظاهر می‌گردد و تأثیری در سهولت یا صعوبت قرائت ندارد؛ مانند: «ادریک» یا «ادراک»؛ همچنین «فی ما» یا «فیما».

تحقیق میدانی انجام یافته توسط مرکز طبع و نشر قرآن در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم تهران

(رمضان سال ۱۳۹۵) نشان داد تفاوت معناداری در صحت قرائت از روی دو مصحف با این دو نوع

نگارش، وجود ندارد.

۲- ضبط

اگرچه فلسفه پیدایش علائم در خط قرآن، کمک به قاریان برای صحت قرائت بوده است؛ اما

با گذشت زمان و دخالت سلیقه‌های مختلف و روش‌های متفاوت در آموزش قرآن بخصوص برای مبتدیان، شیوه‌هایی مختلف در علامت‌گذاری پدید آورد که در برخی از موارد، نه تنها کمکی به صحت قرائت نمی‌کند، بلکه موجب صعوبت نیز می‌شود؛ از جمله:

۱. در شیوه هندی، قرار دادن سکون روی واو و یاء مدی نه تنها کمکی به صحت قرائت نمی‌کند، که گاه مشکل‌ساز نیز می‌شود؛ مثل: **يَقُولُونَ**، **فِي**

۲. در برخی از شیوه‌ها نظیر شیوه مصری قرار دادن فتحه در کنار الف کشیده یا کوتاه، برای نشان دادن «الف» از همین قبیل است؛ مثل: **مَلِكٍ**، **فَخَانَتْهَا هَا**. قرار دادن ضمه و کسره در کنار واو و یاء مدی نیز باعث اشتباه خواهد شد؛ مثل: **يَقُولُونَ**، **فِي**

۳. قرار دادن علامت سکون روی بسیاری از حروف ساکن، حداقل برای قرآن آموزان فارس زبان، نقش اساسی در قرائت ایفا نمی‌کند؛ مانند: **أَنْعَمْتَ**، **عَلَيْهِمْ**

۴. علامت «صفر مستدیر» و «صفر مستطیل» که هر یک نشانه‌ای برای برخی از حروف ناخوانا هستند؛ مانند: **أَنَا**، **قَالُوا**. این علائم نه تنها مشکل تمام حروف ناخوانا را حل نمی‌کند، بلکه شناخت نوع کاربرد هر یک به آموزش نیاز دارد؛ ضمن آنکه خود باعث شلوغی خط و تراکم علائم می‌شود.

۵. علامت «ص» نشانه همزه وصل خصوصاً برای نوآموزان مفهوم نیست و صرفاً برای تمییز همزه قطع و وصل است و تأثیر مثبت و مستقیمی در صحت قرائت ندارد؛ مانند: **أَلْفَارِعَةَ**، **أَتَّخَذُوا**. علامت رأس العین برای همزه قطع استفاده می‌شود نیز رو یا زیر الف چنین است؛ مانند: **أَلْهَيْكُمْ**، **إِنَّ**

۳- ویرایش

ویرایش علائم، حروف و کلمات می‌تواند تأثیر زیادی در صحت قرائت قرآن کریم داشته باشد. ویرایش به معنای تنظیم علائم، حروف و کلمات است به گونه‌ای که از به هم ریختگی، جابه‌جایی، تداخل و ترکیب علائم اجتناب شود. همچنین از سوار شدن حروف و کلمات بر یکدیگر (تراکب) و استفاده از ترکیبات پیچیده و نامتعارف حروف نیز چنین است. نمونه‌هایی از این اشکالات که در برخی از مصاحف ایرانی قدیمی وجود دارد، ملاحظه می‌شود:

کلمه / عبارت	کاتب	اشکال
بِالْبَيْتِ	طاهر خوشنویس	• جابه‌جایی علائم
وَإِذْ يَمْشِي	طاهر خوشنویس	• تراکب حروف و کلمات • جابه‌جایی علائم
فَذَمَّكَ الدَّيْبُ	طاهر خوشنویس	
أَجْمَعُ الْإِنْسَانَ	طاهر خوشنویس	
رَبُّ الْعَالَمِينَ	طاهر خوشنویس	
فَمَا اسْتَسْتَيْسَرَ الْكُتُبِ	احمد نیریزی	• تراکب حروف و کلمات • جابه‌جایی علائم
فَمَا أَفَدَّتْ	احمد نیریزی	
أَطْمَأْنِنًا	احمد نیریزی	
بِحُدُودِهِ	احمد نیریزی	
أَقَامُوا لَهُ	احمد نیریزی	
هَذَا	احمد نیریزی	
لَعَلَّهُمْ	احمد نیریزی	• چسبیدگی حروف کلمه
كُورَفَ	خالقی زنجانی	• جابه‌جایی علائم

۴- قاعده‌مندی

در علم ضبط المصحف، اصول و ضوابط منطقی‌ای وجود دارد که توجه به آن اصول، سبب

تسهیل در قرائت قرآن خواهد شد. یکی از این اصول آن است که «علامت گذاری بر وصل بنا نهاده شده است نه بر وقف» (دانی، پیشین، ص ۱۹). توجه به این نکته و جریان داشتن آن در تمام مصحف، تکلیف قاری را روشن نموده و از اشتباه اش جلوگیری خواهد نمود؛ اما چنانچه در مواردی مطابق این اصل و در مواردی دیگر خلاف آن در یک مصحف مشاهده شود، این قاعده مند نبودن می تواند موجب خطا و اشتباه را خصوصاً برای مبتدیان فراهم سازد. به نمونه هایی از این موارد در برخی از مصاحف ایرانی قدیمی در جدول ذیل اشاره شده است:

کلمه / عبارت	کاتب	اشکال
بُؤْمُونُ بِهِ	طاهر خوشنویس	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از یک شکل برای نشان دادن دو قاعده <p>در این صورت حالت معالاشباع و بلااشباع به یک شکل نشان داده شده است. البته در برخی مصاحف مانند مصحف به خط نیری با ذکر «مع الاشباع» و «بلا اشباع» به صورت ریز در زیر کلمه، این دو حالت از یکدیگر تفکیک شده اما در هر صورت از یک شکل استفاده شده است.</p>
بِهِ الْأَرْضُ	طاهر خوشنویس	
قَبِيضُهُ	طاهر خوشنویس	
أَرْسَلُهُ	طاهر خوشنویس	
وَصَاحِبِيهِ وَبَنِيهِ	خالقی زنجانی	
الْحَاطِرُونَ	خالقی زنجانی	
جَائِلٌ	احمد نیری	
بِكَلْمِكُمْ	احمد نیری	
أُولَهُمَا	احمد نیری	
أُولِي	احمد نیری	

کلمه / عبارت	کاتب	اشکال
وَالَّذِينَ	طاهر خوشنویس	• عدم استفاده از صاد وصل در حالت اتصال و استفاده از دو علامت در ابتدای آیات.
الَّذِينَ	طاهر خوشنویس	
إِنَّا	خالقی زنجانی	• عدم تفاوت در علامت بین همزه قطع و وصل
إِهْدِنَا	خالقی زنجانی	

تحویلی در نوشتار قرآن کریم

با توجه به شیوه‌های مختلف علامت‌گذاری قرآن کریم و دشواری‌های خاص در هر یک از پنج شیوه، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، با تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی مختلف، به روشی در علامت‌گذاری قرآن کریم دست یافت که قرائت و آموزش آن از روش‌های موجود، راحت‌تر باشد. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران با بررسی مصاحف موجود و ویژگی‌های هر کدام و با رویکرد تسهیل در آموزش و قرائت قرآن کریم، «رسم الخط کم علامت» را با ویژگی‌های مبنایی زیر ارائه کرد:

۱- حذف علائم همراه صداهای کشیده

۲- حذف سکون

۳- حذف علامت «صاد کوچک» مربوط به همزه وصل و استفاده از حرکات کوچک در

ابتدای آیات و بعد از علائم وقف به منظور راهنمایی قاریان برای ابتدا از همزه وصل

۴- حذف برخی از علائم خاص تجویدی مانند تشدیدهای ابتدای کلمات و نیز ساده‌سازی

و یکسان‌سازی برخی از علائم مانند تنوین‌ها

۵- حذف علائم حروف ناخوانا

بدین ترتیب، تعداد علائم به کار رفته در این رسم الخط نسبت به مصاحف رایج حداقل به

میزان یک‌سوم کاهش یافته است که می‌تواند سبب سهولت در قرائت گردد.

نتیجه گیری

۱- امروزه عموم فراگیران در تمام حوزه‌ها به دنبال آسان‌ترین، کوتاه‌ترین و در دسترس‌ترین راه برای فراگیری موضوع مورد علاقه خود هستند. فراگیری قرآن نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این موضوع و تسریع و تسهیل در آن، عوامل متعددی مؤثر است که از آن جمله می‌توان به معلم، شیوه آموزش، استمرار در آموزش و قرائت و رسم الخط اشاره کرد. در این میان نقش رسم الخط اگرچه نسبت به برخی از عوامل، کمتر باشد، اما به هیچ وجه نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت و در فرایند آموزش قرآن از تأثیر رسم الخط سخن به میان نیاورد.

۲- پیدایش علامت‌گذاری در خط قرآن کریم به منظور سهولت و کمک به صحت قرائت قرآن بوده است. با بروز سلاقی مختلف که برخی حاکی از تجربه‌های موفق نیز بوده، شاهد تعدد شیوه‌ها هستیم که باعث نوعی سردرگمی در میان مخاطبان می‌شود.

۳- بر این اساس، برخی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر روند آموزش و قرائت قرآن را می‌توان چنین برشمرد:

- تطابق حداکثری مکتوب با ملفوظ
- خوانایی خط و عدم استفاده از ترکیبات پیچیده خوشنویسی
- جاگذاری دقیق علائم و حرکات در محل مناسب روی حروف
- تنظیم دقیق فواصل و عدم ترکیب حروف و کلمات بر روی یکدیگر
- قاعده‌مند بودن علامت‌گذاری
- خودآموز بودن خط
- تقلیل قواعد و عدم پیچیدگی در آنها
- استفاده نکردن از علائم زائد و سلیقه‌ای



الف) مصاحف

- مصحف امیری، اداره البحوث و النشر بمجمع البحوث الاسلامیة، رقم ۱۶۹، ۱۳۹۱ق.
- مصحف ایرانی به خط احمد نیریزی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- مصحف ایرانی به خط طاهر خوشنویس، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۸۰ش.
- مصحف ایرانی به خط محمد خالقی زنجانی، انتشارات صالحی، ۱۳۹۵ق.
- مصحف ترکی به خط مصطفی نظیف، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵ش.
- مصحف ترکی به خط حامد الآمدی، تهران، بنیاد دائرهالمعارف، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
- مصحف الجماهيریة، لیبی، جمعیة الدعوة الاسلامیة العالمیة، الطبعة الاولى، ۲۰۰۵م.
- مصحف مدینه به روایت حفص از عاصم، مجمّع ملک فهد، ۱۴۰۵ق.
- مصحف مدینه به شیوه شبه قارّه هند، مجمّع ملک فهد، ۱۴۲۵ق.

ب) کتب

- الانباری، ابوبکر محمد بن القاسم، ایضاح الوقف والابتداء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۱۰م.
- ابو حیان الاندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۳ق.
- ابوزیتحار، احمد محمد، السبیل الی ضبط کلمات التنزیل فی فن الضبط، مطبعة محمد علی صبیح و اولاده بالازهر، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- الحمد، غانم قدوری، رسم المصحف دراسة لغویة تاریخیة، بغداد، اللجنة الوطنیة للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجری، ۱۴۰۲ق.
- الدانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، تحقیق فرید محمد بن عزوز، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۲۰۱۳م.
- -----، المحکم فی نقط المصاحف، تحقیق عزة حسن، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- الزمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی، بیتا.
- السجستانی، ابوبکر عبد الله بن ابی داود، كتاب المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسهالوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- محیسن، محمد سالم، ارشاد الطالبین الی ضبط الكتاب المبین، قاهره، دار محیسن للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ دوم، ۲۰۰۲م.
- یمین، ناصیف، المعجم المفصل فی الاملاء، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.